

# ریشه‌شناسی نام کورش

دکتر فاروق صفی‌زاده

درباره‌ی معنی نام کورش، بزرگ پادشاه ایرانی، ذوالقرنین قرآن و

می‌باشد. در یشت سیزدهم آمده است. فروشی پاک دین کوی Kavi را می‌ستایم.

عنوان کی، دارای ریشه‌ی کهن می‌باشد و هنگامی که هندی‌ها و ایرانیان مشترکاً زندگی می‌کرده‌اند، به همان معانی مذکور به کار می‌رفته است.

در جایی از یسنا،های ۳۲ آمده است که: کوی‌ها از روی بی‌خردی به آزار پیامبر پرداختند و در آیین قدیم که رسم قربانی و آزار چارپایان برای جلب رضایت خدایان روا بود، ثابت و پا برجا ماندند، اما سرانجام به موجب این اعمال خلاف‌شان، کوی‌ها و کرپن‌ها دچار زیان و آسیب خواهند شد. عنوان کوی به معنی شاه و رئیس، که در گاتاها استعمال شده، هنگامی که با کرپن همراه است، مقصود امرای دیویستان و مخالفان مزدیستان می‌باشند که در آیین قدیم باقی مانده و ترک سنت نمی‌کردند، اما کوی در این یاد کردها همیشه با کرپن همراه نیست، بلکه برخی اوقات با عناوین دیگر هم چون اوسیج Usidj و گرهم Grehma یاد شده است.

چون کوی در اوستا عنوانی عام است از برای رؤسای قبایل و شاهان، به همین جهت شاهان موافق و مؤید زردشت نیز با عنوان کوی یاد شده‌اند، چنان که زردشت، دولت و جای خود و یشتاسپ را با عنوان کوی می‌خواند. (یسناها ۴۶/۱۴).

در ادبیات پارسی و روایات مورخان اسلامی نیز کی Kay یا کی Ki به معنی و مفهوم شاه آمده است. در کهن‌ترین لغت نام‌های پارسی، اسدی توسی کی را به معنی شاه آورده است.

کی - ملک باشد و نام پادشاهان پیشین. دقیقی گوید:

«کی کردار بر او رنگ بزرگی بنشین

می گردان که جهان یاد و گردانست.»

فردوسی نیز از کی - شاه - امیر و سالار قوم یاد کرده است و این عنوان را برای شاهان سلسله‌های پیشدادی و کیانی و حتا ساسانی به کار برده است و از کیان زادگان، شه زادگان اراده کرده است در این ابیات کی و کیان را به معنی عام شاه و شاهان آورده است.

مسیح کتاب مقدس، از سوی نویسندگان و پژوهشگران ایرانی و خارجی دیدگاه‌های زیادی ارائه شده که بیشتر این نظریات برای عدم اطلاع از زبانهای باستانی و معنی دقیق نامهای باستانی، هیچ کدام نتوانسته‌اند بدرستی به معنی و مفهوم این نام مقدس و باستانی اشاره کنند.

در این مختصر بر پایه‌ی ریشه‌شناسی واژه‌ی کورش، به معنی دقیق این نام اشاره می‌شود.

این واژه در کتابهای تاریخی به شیوه‌های گوناگونی آمده است. از جمله: ابن بلخی در فارسنامه، می‌نویسد: «مادر کی رش (Key ra) دختری از بنی‌اسرائیل بود ...»

مسعودی نیز در مروج الذهب، از این پادشاه با نام کی‌رش یاد کرده است. کی‌رش نیز آمده.

ابن اثیر نیز این واژه را کی‌رش ضبط کرده است. برخی کُرس Koros آورده‌اند.

در این هیچ شکی نیست که واژه‌ی کورش از دو واژه‌ی کی (Kay) و رش (ra) آمده است. واژه‌ی کی (Kay):

کی در اوستا کوی Kavi و در سنسکریت کوی آمده. کوی و کوی به معنی پادشاه و شهریار و فرماندهی مطلق آمده است. نام کی آرش که در

اوستا به گونه‌ی کوی ارشن آمده، همان کورش است. در بندهشن،

کی ارشن یا کی آرش یا کی رش، یکی از نوادگان کیقباد است.

نولدکه نیز بر این باور است که واژه‌ی کی ارشن، در موضعی از سپر نگر به صورت کیرش Kayre در آمده و کورش شده است.

واژه‌ی کُرس Koros نیز از واژه‌ی Horos به معنی خورشید گرفته شده، آیا این‌جا چند معنی دقیق برای واژه‌ی کورش به دست می‌آید:

کی = شهریار بزرگ، خورشید، و امارش: واژه‌ی رش در زبان اوستایی به معنی بسیار مقدس و بسیار بزرگ آمده است. این واژه هم اکنون با

همین تلفظ در زبان کُردی کاربرد دارد و به معنی بسیار زیاد و سیاه است. کتاب مقدس زردشتیان کُرد به نام مصحف رش یا: نامه‌ی مقدس

می‌باشد. پس رش به معنی مقدس و بسیار بزرگ می‌باشد و کورش به معنی خورشید مقدس، خورشید بسیار بزرگ و پادشاه و شهریار مقدس

«تو بشناس کز مرز ایران زمین

یکی مرد بدنام او آبتین

ز تخم کیان بود و بیدار بود

خردمند و گردد و بی آزار بود

تہمتن ہمیدون یکی جام می

بخورد آفرین کرد بر جان کی.»

درباره‌ی جمشید گوید:

«برآمد بر آن تخت فرخ بدر

به رسم کیان بر سرش تاج زر.»

فریدون نیز با عنوان کی یاد شده:

چو آن پوست بر نیزه بردید کی

به نیکی یکی افترا کند پی

در ضمن گفت‌وگو از ساسانیان، این شاهان نیز با عنوان کی آمده‌اند،

چنان که قباد پسر فیروز:

«که در دست ایشان بود کی قباد

چو فرزند پیروز خسرو نژاد.»

«همان گه جهان دیده کی قباد

به فرمود تا بر نشیند چو باد.»

«چو بر خواند آن نامه کی قباد

به خندید شاپور مهر گ نژاد.»

جایی دیگر عنوان کی را به معنی شاه به همین قباد پسر پیروز داده

است:

«دو اسبه فرستاده آمد به ری

چو باد خزانی به فرمان کی.»

اسدی توس نیز در گرشاب نامه کی را مطلقاً به معنی شاه آورده است،

در این جا ضحاک را با عنوان کی آورده:

«کی نامور گفت کای جنگ جوئی

بدین لشکر آن جا شدن نیست روی.»

در ریگ ودا کوی به معنای سراینده‌ی آوازهای مذهبی و مأمور انجام

مراسم مذهبی بوده است. پس می‌توان گفت که در عصر هند و ایرانی،

کوی‌ها روحانیون دینی بودند که بعدها، پس از جدایی هند و ایرانیان، مقام

خود را حفظ کردند و پس از اصلاح مذهبی از دشمنان مزدیسنان شدند، اما

در ودا، این واژه دارای معانی دیگر نیز چون: پیشوا، دانشمند، دانا، رئیس،

سالار و پیامبر می‌باشد.

از بررسی نوشته‌های پیشینیان چنین بر می‌آید که بیش از ظهور

زردشت، اداره‌ی امور قبایل و اجتماعات را کی‌ها یا کوی‌ها (شهرباران)

عهده‌دار بوده‌اند.

در فروردین یشت فروهر هشت کی مورد ستایش قرار گرفته است و در

زامیاد یشت کیانی که بدانان تعلق داشته، ستوده شده است.

این هشت تن که کورش پادشاه هخامنشی نیز جزو آنان است،

بدین گونه می‌باشد:

کی قباد

کی ایبوه

کی کاووس

کی آرش (کی رش = کورش)

کی پشین

کی و بارش

کی سیاوش

کی خسرو.

واژه‌ی رش همان گونه که ذکر شد به معنی مقدس و بسیار بزرگ

است این واژه در آوستا به شیوه‌ی رشن و رشنو (Ranv) آمده است. در

پهلوی رشن Ran است. این واژه صفت است به معنی دادگر و عادل.

رشن در آوستا اغلب با صفت از (Razita) آمده است به این طریق رشنو

- رزیشت صفت اخیر به معنی راست و درست می‌باشد (یشت هفدهم،

مقدمه و بند ۶۲ یسناها ۱/۱۴ - ۳/۱۶ - ۷/۱۶، خرده آوستا، سیروزه‌ی

کوچک بند ۱۲۵

در آوستا، در شمار یشت‌ها، یشت دوازدهم ویژه‌ی این ایزد است و

موسوم به رشن یشت. یکی از یشت‌های کوتاه است با ۳۸ تا ۴۵ بند. رشن

چنان که از نام‌اش پیداست، در آوستا از شمار ایزدان است و ایزد عدل و

داد خوانده می‌شده، اما چنان که می‌آید، وی را یکی از ایزدان سرای پسین

و از داوران روز جزا می‌دانند که با میتر (مهر) و سراس یا ایزدان سه‌گانه‌ی

جهان پسین و داور ارواح می‌باشند.

ای رشن راست، ای پاک مقدس، ای دانایی که بسیار نیک داوری

می‌کنی، که نیرویت تا دور دست‌ها روان است، ای رشنی که هرگاه تو را

به استغاثه برای یاری بخوانند، بی‌شتابی، وای رشنی که رهنان را با قدرت

می‌رانی، تو را ستایش و نیایش می‌کنیم. چون هرگاه خوشنود باش، ما را

محافظت نیک خواهی کرد. ای رشن راست، تو هر جایی که باشی، در

زمین و آسمان و افلاک و رودها و دریاها و کوه‌ها، هنگام نیازمندی تو را

می‌خوانیم. تو را به یاری می‌طلبیم و تو به کمک ما خواهی شتافت.

سه ایزد آوستایی، مهر، سروش و رشن بسیار به هم نزدیک بوده و

روابطی دارند. در واقع سروش و رشن از همکاران ایزد مهر می‌باشند. رشن

روز هجدهم هر ماه نیز می‌باشد.

در تقویم و گاه شماری، هجدهم هر روز نامزد است به نام این ایزد



سه ایزد یاد شده، در روز جزا، از داوران ارواح می‌باشند و مهر، نخستین داور، سروش دومین داور و رشن سومین است. چون کسانی از این مهان بگذرد، پس از سه روز و سه شب، در صبح روز چهارم به راهنمایی ایزدانی چون: مهر، سروش، رشن و اشتاد، برای محاکمه و گذر از پل چینود آماده می‌شوند.

با این تفصیل، کی به معنی شهریار و پادشاه و رشن به معنی دادگر و در کل شهریار دادگستر می‌باشد.

در یسناهات ۲، سروش پاک پیروزگر و رشن راست، واشتاد پرورانده‌ی جهان مورد ستایش قرار گرفته اند. در مهر یشت، مهر در حالی که از طرف راستش سروش پاک و از جانب رشن راست سوارند و اطراف آنان فروهر پاکان در حرکتند مورد ستایش قرار می‌گیرد. در سروش یشت نیز رشن راست که از یاران ایزد مهر و سروش است مورد ستایش قرار گرفته است.

در نوشته‌های پهلوی، ایزد رشن یکی از داوران روز جزاست و به گفته‌ی بندهش. شاهین ترازوی او چکاد دائینی است.

اردا ویراف مقدس، در بازدید از بهشت و دوزخ پس از گذشتن از چینود پل، پیش رشن راست را که ترازوی زرین به دست دارد می‌بیند، در حالی که پرهیزگاران و بدکاران را می‌سنجد.

در مینوی خرد، رشن دادگر با مهر و سروش وظیفه‌ی میانجی‌گری دارد، رشن اعمال روان‌ها را می‌سنجد و از همان گونه که گفته شد به صورت رشن آمده است. ♦

و رشن روز می‌شود. در خرده آوستا، در دو سی روزه‌ی کوچک و بزرگ، بند هجدهم از این ایزد یاد شده و بدو درود فرستاده شده است. ابوریحانی بیرونی در فهرست روزهای ایرانی، این ایزد را رشن خوانده که در سغدی رشن و در خوارزمی رشن خوانده می‌شده است. با حذف ن نیز این نام خوانده می‌شود، چنان که اسدی توسی در لغت فرس آورده است. دو بیتی نقل می‌شود، اولی از فردوسی و دومی از عنصری است که روز رشن را با حذف ن آورده‌اند:

«چو هور سپهر آورد روز رشن

تو را زندگی بلا پدرام و خوش

در آمد در آن خانه‌ی چون بهشت

به روز رشن از ماه آردی بهشت.»

مسعود سعد سلمان که در وصف سی روز ماه، سی قطعه ساخته، در وصف رشن روز گفته:

«روز رشن است ای نگار دلربای

شاد بنشین و به جام می گرای

تا توانی هیچ یکساعت مباحث

بی می شادی فزای غم زدای

می‌خور و در ساز گیتی دل میند

ساز گیتی خود همی سازد خدای ...»

«می‌سوری بخواه کامد رشن

مطربان پیش دارو باده بکش.»

خسروی

